



و حکم این است که نور در جهان آمد و مردم ظلمت را بیشتر از نور دوست داشتند، از آنجا که اعمال ایشان بد است. زیرا هر که عمل بد می کند، روشنی را دشمن دارد و پیش روشنی نمی آید، مبادا اعمال او توبیخ شود.
انجیل یوحنا ۳: ۱۹ - ۲۰



انسان‌ها دوست دارند با دیگران روابط صمیمی برقرار کنند. ما همیشه برای خود دوستان نزدیکی انتخاب می‌کنیم و در مورد برخی از مسائلمان با آنها صحبت می‌کنیم؛ مسائلی که شاید هرگز در موردشان با شخصی دیگر صحبت نکنیم. ازدواج نزدیک‌ترین و صمیمی‌ترین رابطه بین دو نفر است. معمولاً زن و شوهرها موضوعاتی را به هم می‌گویند که حتی آن را با دوستان صمیمی خود هم در میان نمی‌گذارند. بی‌شک داشتن چنین رابطه صمیمانه‌ای با همسر، می‌تواند برکتی بزرگ در زندگی هر شخص باشد.

هرچند ممکن است در رابطه با همسر یا دوستان نزدیکمان به حدی از صمیمیت برسیم که در دیگر روابطمان وجود ندارد اما با این وجود چیزهایی درباره خودمان وجود دارد که دوست نداریم حتی با آنان نیز در میان بگذاریم. همه انسان‌ها بخش‌های تاریکی در زندگی خود دارند و دائماً می‌کوشند تا آن را پنهان کنند. این بخش‌ها می‌توانند گناهانی باشند که هرگز با دیگران در میان گذاشته نمی‌شوند. درواقع هیچ کس دوست ندارد این قسمت‌های تاریک را در معرض دید دیگران قرار دهد.

اگر به مسیح اعتماد کنیم، می‌توانیم این مسائل پنهان را با او در میان بگذاریم و در نور پرمحبت او، گناهان خود را به او اعتراف کنیم زیرا این عمل نشان دهنده عشق ما به نور حقیقی و حیات‌بخش یعنی عیسای مسیح است. هیچ یک از انسان‌ها برای اینکه بتوانند وارد نور مسیح شوند، تلاشی نمی‌کنند. درواقع هیچ انسانی نمی‌خواهد تا در نور مسیح قرار گیرد. این تنها فیض، محبت و عمل ویژه خداوند است که موجب می‌گردد تا آن نور در زندگی ما وارد شود. نور خداوند بر همه انسان‌ها می‌تابد اما همانطور که در این آیات آمده است، برخی از انسان‌ها خودشان انتخاب می‌کنند تا تاریکی را بیشتر از نور دوست داشته باشند. این افراد به دلیل گناهانشان در تاریکی به سر می‌برند و زیر حکم خداوند قرار دارند.

به یاد داشته باشیم اگر به مسیح ایمان نداریم یا از بی‌ایمانی اطرافیانمان ناراحت هستیم هیچگاه نمی‌توانیم به خاطر این بی‌ایمانی، خداوند را سرزنش کنیم. کتاب مقدس به وضوح بیان می‌کند، از این جهت انسان‌ها در تاریکی مانده‌اند که خودشان تاریکی را بیشتر از نور دوست داشته‌اند. این یعنی اشخاصی که به مسیح ایمان نمی‌آورند، خودشان انتخاب کرده‌اند تا نجات را رد کنند. این افراد تاریکی و گناه را بیشتر از نور دوست دارند اما با این حال از پذیرفتن مسئولیت گناهان خود به شدت وحشت دارند. وحشت آنها از این سبب است که دوست ندارند تا شرمندگی‌شان در مقابل خداوند آشکار شود. حتی ممکن است برای مدتی تصور کنند که می‌توانند گناهان خود را از خداوند پنهان کنند اما سرانجام، نور خداوند تاریکی را آشکار خواهد کرد. بنابراین دو راه بیشتر وجود ندارد، یا باید نور مسیح را در زندگی خود بپذیریم و نجات یابیم، یا باید در روز داوری منتظر اجرای کامل حکم خداوند باشیم. اگر اکنون راه دوم را انتخاب کرده‌ایم، بی‌تردید روزی به خاطر این انتخاب شرمنده و پشیمان خواهیم شد اما پشیمانی در آن روز فایده‌ای ندارد زیرا با این انتخاب از هم‌اکنون مرگ ابدی شامل حالمان شده است درحالی که اگر نور و نجات مسیح را بپذیریم، نه تنها از انتخاب خود پشیمان نخواهیم شد بلکه تا ابد از بودن در حضور خداوند لذت خواهیم برد.

جان کلون می‌گوید: "بی‌ایمانی، شهادتی بر وجدان بد انسان است. دلیلش هم این است که شرارت خود انسان باعث ایجاد مانعی برای رسیدن بی‌ایمانان به مسیح می‌شود." برخی انسان‌ها به عیسای مسیح ایمان نمی‌آورند. بی‌ایمانی این افراد به این خاطر نیست که خداوند، بدی و شرارت را در قلبشان گذاشته است بلکه چون گناهانشان را بیشتر دوست دارند ایمان نمی‌آورد. خداوند کسانی را که از گناهان خود برگشته‌اند و به سوی مسیح حرکت کرده‌اند، رد نمی‌کند. نجات یعنی اعتماد کردن به عیسای مسیح، آن هم نه یکبار بلکه در تمام طول زندگی!

خداوندا، به من قوت بده تا بتوانم با هدایت روح مقدست تاریکی‌های قلبم را بهتر بشناسم و آنها را در مقابلت اعتراف کنم. ایمان دارم که تو، مرا با قوت خودت پاک خواهی کرد. آمین!



اقتباسی از لیونز مینستری (Ligonier ministry)